



عبدالملکی وزیر کم‌استعداد راست‌گو

عبدالملکی به وزارتی منصوب شد که از سه وزارتخانه (کار و امور اجتماعی و تعاون و رفاه) تشکیل شده و به جای سه وزیر در سه حوزه متفاوت باید مدیریت می‌کرد که دو حوزه از این سه حوزه بسیار حساس و استراتژیک می‌نماید و در حقیقت وزارتخانه‌ای اقتصادی و اجتماعی است و اندک غفلت از حوزه کارگری و رفاه اجتماعی می‌تواند مشکلات عدیده‌ای برای کشور به بار آورد. ایشان قبل از وزارت بین مردم شناخته شده نبود و پس از وزارت بسیار مورد توجه شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت، جوان‌ترین وزیر توییت‌باز فضای مجازی با عنوان دکترا اما فاقد استعداد و تجربه کاری در این سطح از مسئولیت و مایل به نمایان شدن و نمایش دادن.

با شعارها و اظهارنظرهای عجیب و غریب، نظرمسئولان را به خود جلب کرد، وقتی کلیپ‌هایشان بین مردم پخش شد موجب تحیر و تمسخر شد. پس از اخذ رأی اعتماد در مصاحبه‌ای گفت در شستا تعدادی از مدیران و کارشناسان فاسد هستند، دستور می‌دهم از کار برکنار شوند.

به آشنای مشترکی گفتم آقای وزیر هنوز نیامده از کجا می‌داند که افراد مورد نظر فاسد هستند، طبق کدام ادله و سند معتبری وزیر چنین حکم می‌کند؟

یا گفتند هزار مدیر فاسد را از مجموعه وزارت اخراج می‌کنم، عجبا! اگر فقط در یک وزارتخانه این‌قدر مدیر باشد و همه فاسد! پس همه سیستم فاسد است. افاضات دیگر ایشان در مورد شغل و لامبورگینی و... برای عوام قصه شد و برای خواص غصه. اما آنچه زمینه عزل ایشان را مهیا کرد، کشاندن کارگران و بازنشسته‌ها به کف خیابان بود که مسبب آن وعده‌های موهوم وزیر درباره افزایش حقوق بازنشسته‌ها برای سال جاری بود که نهایتاً به افزایش 10 درصدی منجر شد و با تورم موجود فاصله 90 درصدی دارد. اما خسارات دوران مدیریت ایشان در مدت 300 روز در مجموعه عظیم وزارت و شستا و سازمان‌های تأمین اجتماعی و فنی و حرفه‌ای و بازنشستگی و عشایر و روستاییان و حوزه اقتصادی و اجتماعی و مدیریتی فعلاً غیرقابل احصاست. با شناختی که در همین مدت از ایشان پیدا کرده‌ام، باورم این است که عبدالملکی دروغ نمی‌گفت، بلکه آنچه در و همش پدیدار می‌شد، به زبانش جاری می‌شد، ذهنش در مرحله فهم چیزها در حد مشاهدات است، ساده و بسیط و ثابت. به مرحله تأمل و تعقل و تحلیل و اندرکنش چیزها و پدیده‌ها و تأثیر و تأثر آنها بر هم نمی‌رسد، شاید بعد از این برسد.

بالاخره فشار اجتماعی و تهدید مجلس به استیضاح، این جوان کم‌استعداد و پرمدعا را مجبور به استعفا کرد و عبرتی شد تا دولتمردان تحت تأثیر شعارهای موهوم قرار نگیرند و از چگونگی اجرای شعارهایشان و با کدام امکانات و ظرفیت‌ها پرسش کرده و سوابقشان را از نظر کمی و کیفی بررسی کنند و به تعریف و تمجید جمیل و وکیل بسنده نکنند که عاقبت عرض رفته و زحمت برجای مانده است:

بوریا با ف اگر چه با فنده است / نبرندش به کارگاه حریر.

البته که خسارت‌ها و تنش‌های وارد شده اقتصادی و اجتماعی از قبل این انتصاب تنها مربوط به وزیر نیست.

قراین نشان می‌دهد که چنین‌اند که در مصاحبه‌های ارزیابی، باور کرده‌اند که با یک میلیون تومان می‌توان شغل ایجاد کرد و چون کره شمالی و ونزوئلا تحریم را دور زد و

قس علی‌هذا.

اگر چنین سطح درک و فهمی در بین دولتمردان سیزدهم میانگین باشد!

ملت باید چه کند ، مگر کابینه به‌سرعت ترمیم شود و کابینه‌ای توانمندتر برای عبور از مشکلات بر سر کار بیاید. ان‌شاءالله.